

مقایسه منبع کنترل، عزت نفس و خودپنداره در دانش آموزان با غیبت موقت پدر و دانش آموزان عادی در شهرستان لار در سال تحصیلی ۹۸-۹۷

عبدالجلیل پاسالاری فردا، محسن آربزی*۲

۱. کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد واحد ارسنجان

۲. کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز

نویسنده مسئول: Mohsenarbezi20@gmail.com

چکیده

مقدمه: مراقبت اصلی کودک به عهده مادر می باشد، ولی پدر نیز نقش مهمی در رشد و تحول کودک ایفا می کند. تحقیقات اخیر نشان می دهد که فقدان و غیبت موقت پدر می تواند تأثیر عمیقی بر شخصیت فرزندان بگذارد. هدف پژوهش: هدف از تحقیق حاضر بررسی تأثیر غیبت موقت پدر بر منبع کنترل، عزت نفس و خودپنداره دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان لار است. روش پژوهش: روش پژوهش توصیفی از نوع علی - مقایسه ای و جامعه آماری تمامی دانش آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان لار در سال تحصیلی ۹۸-۹۷ بود. به منظور نمونه گیری ۱۰۰ نفر از دانش آموزان دارای غیبت موقت پدر (۵۰ دختر و ۵۰ پسر) و ۱۰۰ نفر از دانش آموزان عادی (۵۰ دختر و ۵۰ پسر) با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای چندمرحله ای انتخاب شدند؛ و توسط مقیاس های منبع کنترل راتر (۱۹۹۶)، عزت نفس کوپر اسمیت (۱۹۷۶) و خودپنداره پیرز- هاریس (۱۹۸۷) مورد آزمون قرار گرفتند. یافته ها: یافته های پژوهش حاکی از این بود که دانش آموزان دارای غیبت موقت پدر در مقایسه با دانش آموزان عادی از عزت نفس پایین تر و خودپنداره منفی تر برخوردارند؛ اما در منبع کنترل تفاوت معنی داری مشاهده نشد؛ ولی پسران دارای غیبت موقت پدر در مقایسه با پسران عادی از منبع کنترل درونی تری برخوردار بودند. همچنین نتایج نشان داد که پسران دارای غیبت موقت پدر در مقایسه با دختران دارای غیبت موقت پدر دارای منبع کنترل درونی تر می باشند ولی در متغیرهای عزت نفس و خودپنداره تفاوت معنی داری مشاهده نشد. نتیجه گیری: نتایج این پژوهش اهمیت حضور پدر در رشد بهنجار کودک در گستره زندگی را برجسته تر ساخته است.

واژه های کلیدی: منبع کنترل، عزت نفس، خودپنداره

مقدمه:

کودک در اصل به کسی وابستگی پیدا می‌کند که عهده‌دار مراقبت‌های اولیه اوست، افراد آشنای دیگر نیز منابعی برای احساس ایمنی وی به حساب می‌آیند. بررسی‌هایی که در موقعیت ناآشنا در ارتباط با حضور پدر صورت گرفته حاکی از آن است که واکنش کودک به حضور و غیبت پدر شبیه واکنش وی به حضور و غیبت مادر است، با این تفاوت که وابستگی به پدر کندتر شکل می‌گیرد (کوتل چاک^۱، ۱۹۷۶؛ به نقل از اتکینسون و هیلگارد، ۱۳۹۷). برای مثال کودکان یک ساله وقتی می‌بینند که مادرشان آنها را ترک می‌کند سریعاً گریه می‌کنند و دست از بازی می‌کشند. در حالی که چنین واکنشی نسبت به ترک پدر به طور متوسط تا ۱۵ ماهگی ظاهر نمی‌شود. علاوه بر این کودکان یک ساله معمولاً^۲ نسبت به ترک مادر در مقایسه با ترک پدر واکنش شدیدتری نشان می‌دهند و در تجدید دیدار برای مدت طولانی‌تری به مادر می‌چسبند. با افزایش سن این گونه تفاوت‌ها کاهش می‌یابد (اتکینسون و همکاران، ۱۳۹۷).

ارتباط والدین با فرزندان و نحوه تعامل آنها با یکدیگر از مهم‌ترین مواردی است که توجه صاحب نظران را به خود جلب کرده است. خانواده نخستین پایگاهی است که بین کودک و محیط اطراف کودک پیوند برقرار می‌کند. خانواده پایگاهی است که زمینه را برای رشد خودپنداره^۳ و عزت نفس^۴ فرزندان فراهم می‌کند. خانواده مکانی است که اولین ادراکات کودکان نسبت به خودشان طی تعامل صمیمی و وسیع با والدین و سایر اعضای خانواده شکل می‌گیرد (گیکاس و اسکالپ^۵، ۱۹۸۶).

آماتو و اوکلتری^۶ (۱۹۸۶) اذعان می‌کنند که در محیط خانوادگی که در آن والدین با کودک زیاد صحبت می‌کنند و با وی رابطه نزدیک و حمایت کننده^۶ دارند و از لحاظ تحصیلی و تربیتی از وی انتظارات جدی و منطقی دارند و درباره امور مدرسه با وی مساعدت می‌کنند و نسبت به رفتارهای وی و پیامدهای آن به طور مستقیم واکنش نشان می‌دهند، موجب شکل‌گیری احساس کفایت و رضایت در کودک می‌گردند.

هر چند فرض بر این است که مادران مراقبان اولیه کودک هستند، ولی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که پدران نیز نقش مهمی در رشد کودک بر عهده دارند. پدران علاوه بر فراهم نمودن منابع مالی، منبع حمایت عاطفی، راهنما، ناظر و یاری‌دهنده کودکان نیز هستند (آماتو، ۱۹۹۷). محققان درباره نقش پدر به این نتیجه رسیده‌اند که حضور پدر در خانواده تأثیر مثبتی بر پیشرفت تحصیلی، رشد شناختی، تحول اخلاقی، تحول نقش جنسی و پیشگیری از آسیب روانی دارد و عدم حضور وی با اختلالاتی در هریک از این زمینه‌ها همراه است (هیپ من، دونا و کارلوس^۷، ۲۰۰۲). پدر علاوه بر نقش مرسوم خود یعنی حمایت از مادر، نقش خاصی که همان تکوین پایه‌های اساسی شخصیت کودک که متوجه «من» است را داراست. زیرا هرگاه کودک به خاطر جدایی از مادر اضطراب شدیدی را تجربه می‌کند. پدر این اضطراب را کاهش می‌دهد. از این لحاظ به نظر می‌رسد فقدان پدر می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت کودک تأثیر بسزایی داشته باشد (آدامز، میلر و اسکرف، ۱۳۹۵).

آبلین (۱۹۷۱) اظهار می‌کند که نوزادان بین ۸ تا ۱۸ ماهگی توجه به پدر را آغاز می‌کنند و وی را به منزله دومین فرد خاص پس از مادر تجربه می‌کنند. این رابطه جدید در نظر برخی از محققان بسیار مهم است؛ مثلاً میرلو (۱۹۶۸) با تأکید بر اهمیت آن می‌گوید پدر پل ارتباط با دنیای وسیع بیرونی است و انتقال احساسات کودک از مادر به پدر به هر نحوی که باشد الگویی برای بسیاری از روابط اجتماعی بعدی وی خواهد شد و جهت کوشش‌های آتی وی برای برقراری ارتباط و نیز زمینه‌های انتقال عاطفی در وی را تعیین خواهد نمود (آدامز و همکاران، ۱۳۹۵).

1. Kotelchuck

2. Self - concept

3. Self - esteem

4. Gecase & Schwalbe

5. Amato & Ochiltree

6. Supportive

7. Hippmann, Donna & Carlos

در زمان‌های قدیم نقش اساسی برای پدر در خانواده شامل برآورده کردن نیازهای امرار معاش و نان‌آور خانه بود (لامب، ۱۹۸۱). ولی در دنیای امروزی پدر نقش‌های متنوعی، در پرورش و مراقبت از کودک ایفا می‌کند و تحقیقات نشان می‌دهد که رشد شخصیت کودک تحت تأثیر هر دو والد قرار می‌گیرد و حمایت و درگیری هر دو والد با اثرات مثبتی بر پیشرفت تحصیلی، سازگاری روان‌شناختی، خودپنداره مثبت و صلاحیت اجتماعی... همراه می‌باشد (رولینز و توماس، ۱۹۷۹؛ مکابی و مارتین، ۱۹۸۳؛ به نقل از آمانو، ۱۹۹۷). در نتیجه غیبت پدر از محیط خانواده به هر دلیلی که رخ دهد ممکن است اثرات مخربی بر کودک داشته باشد (آمانو، ۱۹۹۷).

غیبت پدر می‌تواند اثر مستقیم (مانند محرومیت کودک از الگوبرداری نقش مذکر) و یا اثر غیرمستقیم (مانند حمایت) بر روی کودکان داشته باشد. پژوهش‌های کنونی بیشتر به بررسی اثرات غیرمستقیم غیبت پدر بر کودک پرداخته‌اند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که هر چند غیبت پدر ممکن است روی کودکان اثرات زیان‌بار داشته باشند، ولی این اثرات لزوماً به علت فقدان الگوی نقش جنسی نمی‌باشند، بلکه به علت عدم وجود سایر جنبه‌های نقش پدری از قبیل نقش اجتماعی، اقتصادی و هیجانی او در خانواده به وجود می‌آیند (لامب، ۱۹۸۱).

پژوهش‌های بی‌شماری به نقص‌های اجتماعی، شناختی و عاطفی که در خانواده‌های فاقد پدر اتفاق می‌افتد اشاره کرده است، که به نقص‌های زیر در رابطه با کودکان و نوجوانان می‌توان اشاره کرد: عملکرد تحصیلی و انگیزه پیشرفت ضعیف، مشکلات رفتاری و بزهکاری، افسردگی و مشکل داشتن در ایجاد رابطه با دیگران و نگهداری آن (هیپ من، دونا و کارلوس، ۲۰۰۲). یکی از مشکلات موجود در جوامع مختلف و فرهنگ کشور ما به خصوص در حوزه آموزش و پرورش وجود دانش‌آموزانی است که بنا به دلایلی دچار محرومیت از پدر هستند، محرومیت از پدر می‌تواند به دلایل مختلفی از قبیل طلاق، فوت پدر، غیبت پدر به علت مسایل کاری و ... اتفاق بیفتد.

با توجه به مسأله غیبت موقت پدر که بعضی از خانواده‌های شهرستان لار با آن مواجه هستند، ذکر این نکته ضروری است که بعضی از این پدران در طول زندگی خود به دفعات به علت مسافرت و کار در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس دچار غیبت موقت می‌شوند، که معمولاً غیبت آن‌ها بیش از شش ماه طول می‌کشد. بنابراین یک نوجوان و جوان مربوط به این خانواده‌ها در طول دوره زندگی و رشد خود به دفعات دچار دوری و جدایی از پدر می‌گردد که هر بار چند ماه به طول می‌انجامد. در این پژوهش منظور از غیبت موقت پدر، دانش‌آموزانی می‌باشند که پدران‌شان به دلایل شغلی و اقتصادی بیش از شش ماه دور از خانواده می‌باشند و دانش‌آموزانی که پدران‌شان در محل سکونت آن‌ها قرار داشته و در منطقه خود امرار معاش می‌کنند دانش‌آموزان عادی می‌باشند.

یکی از متغیرهایی که در این پژوهش وضعیت آن در بین دانش‌آموزان عادی و دانش‌آموزانی که پدرشان از خانواده دور است، مورد بررسی قرار می‌گیرد، منبع کنترل است. کرانتز و استون^۱ (۱۹۷۸) در تعریف منبع کنترل می‌نویسند: منبع کنترل عبارت است از درجه یا میزان اعتقاد فرد به اینکه چقدر تقویت‌ها وابسته یا همراه با رفتار او هستند، به این ترتیب شخصی که احساس می‌کند بر این تقویت‌ها تسلط دارد، منبع کنترل درونی دارد. حال آنکه اگر شخص پیامد رفتار را مستقل از نحوه رفتار؛ یا پاسخ خود را وابسته به شرایط دیگری بداند منبع کنترل بیرونی دارد. اصطلاح مرکز، کانون یا منبع کنترل به اداری گفته می‌شود که ما از علت نتایج رفتار خود داریم (بال^۲، ۱۹۷۸). راتر^۳ (۱۹۷۲) در رابطه با منبع کنترل دو منبع را شناسایی کرده است: آن‌هایی که موفقیت و عدم موفقیت را به توانایی و تلاش‌های خود نسبت می‌دهند، انتظار دارند تا منبع کنترل آنها درونی باشد. از طرف دیگر آنهایی که نتیجه را به شانس، تقدیر، افراد قدرتمند و به طور کلی عوامل خارجی نسبت می‌دهند، انتظار دارند تا منبع کنترل آنها بیرونی باشد.

1 . Krants & Stone
2 . Bal
3 . Rotter

متغیر دیگری که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد، عزت‌نفس است. از دیدگاه مزلو عزت‌نفس عبارت است از: شایستگی، توانمندی، اطمینان، استقلال و آزادی (به نقل از کوپر و پروین^۱، ۱۹۹۸). کوپر اسمیت^۲ چهار عامل را در تحول عزت‌نفس کودکان و نوجوانان مهم می‌داند (به نقل از بیابانگرد، ۱۳۹۶):

الف) ارزشی که کودک از سوی دیگران (مهر، محبت و تحسین) دریافت می‌کند.

ب) تجربه همراه با موفقیت کودک، موقعیتی که فرد خودش را در ارتباط با محیط می‌بیند.

ج) تعریف شخصی کودک از موفقیت و شکست.

د) شیوه واکنش کودک به پسخوراند منفی یا انتقاد.

از دیدگاه هارتر^۳ (۱۹۹۳) زمانی که کودکان از خود درکی پیدا می‌کنند و هویت خود را می‌یابند تلویحاً برای خصوصیات خود ارزش مثبت یا منفی قایل می‌شوند؛ بدین ترتیب مجموعه ارزیابی‌هایی که کودک از خود می‌کند عزت‌نفس نامیده می‌شود. شعاری نژاد (۱۳۹۵) عزت‌نفس را احساس ارزشمندی خود می‌داند. این احساس به دو درجه عزت‌نفس بالا و پایین تقسیم می‌شود.

خودپنداره نیز متغیری است که می‌تواند تحت تأثیر شرایط محیطی و خانوادگی قرار گیرد. راجرز مفهوم خود یا خودپنداره را چنین تعریف می‌کند: مفهوم خودپنداره مجموعه‌ای از عقاید فرد درباره خود می‌باشد که بیشتر بر مبنای توصیف است تا قضاوت. ممکن است بعضی از بخش‌های مفهوم خودپنداره خوب یا بد تلقی شود ولی بعضی از بخش‌ها نه خوب است نه بد (ماسن، ۱۳۹۵). پیرز و هاریس^۴ (۱۹۸۷) خودپنداره را چنین تعریف می‌کنند: دیدگاهی است که فرد نسبت به تمام خصوصیات جسمانی و روانی خود در ارتباط با خویشتن و اجتماع به تدریج کسب می‌کند (به نقل از ذکایی، ۱۳۷۹).

پیشینه پژوهش

در رابطه با تأثیر غیبت پدر بر دانش‌آموزان تحقیقات زیادی انجام شده است؛ از جمله ساتون- اسمیت^۵، روزنبرگ و لندی^۶ (۱۹۶۸) نشان دادند که غیبت پدر با توجه به طول مدت غیبت، روی پسران بیشتر از دختران تأثیر منفی می‌گذارد و این تأثیر با توجه به تعداد افراد خانواده افزایش می‌یابد. دیس کمپس^۷ (۱۹۷۸) نشان داد که غیبت پدر تأثیرات عمیقی بر رشد و تحول کودک بر جای می‌گذارد. به عقیده وی در صورت غیبت پدر کودک در رشد و توسعه شایستگی خود و خودپنداره دچار مشکل می‌گردد. پاریش^۸ (۱۹۷۹) با استفاده از پرسشنامه سبک اسناد فردی^۹ نشان داد، دختران و پسرانی که پدر خود را به خاطر طلاق از دست داده‌اند خودپنداره منفی‌تری نسبت به سایر افراد تجربه می‌کنند؛ اما بین دختران و پسران طلاق تفاوت معنی‌داری در خودپنداره وجود ندارد. لنکستر و ریچموند^{۱۰} (۱۹۸۳) در پژوهش خود نشان داده‌اند که وقتی کودک دچار غیبت پدر می‌شود منبع کنترل او بیرونی‌تر می‌شود و عزت‌نفس او پایین می‌آید. تارانتینو^{۱۱} (۱۹۸۹) در پژوهشی که بر روی ۸۸ کودک ۱۰ ساله انجام داد که دچار غیبت پدر بودند به این نتیجه رسید که هیچگونه تفاوت معناداری بین خودپنداره و عزت‌نفس این کودکان و کودکان عادی وجود ندارد؛ و بین دو جنس مختلف نیز از لحاظ متغیرهای ذکر شده تفاوتی وجود ندارد. روحی^{۱۲} (۱۹۹۱) در پژوهشی که بر روی پسران مقطع دبیرستانی انجام داد ۲۰ نوجوان دچار غیبت اولیه پدر (شروع غیبت قبل از ۵

1 . Cooper & Pervin

2 . Cooper - smith

3 . Harter

4 . Peers & Hariss

5 . Sutton-smith

6 . Landy

7 . Descamps

8 . Parish

9 . Personal attributional inventory

10 . Lancaster & Richmond

11 . Tarantino

12 . Ruhi

سالگی)، ۲۰ نوجوان دچار غیبت بعدی پدر (شروع غیبت پس از ۵ سالگی) و ۲۰ نوجوان بهنجار (فاقد غیبت پدر) را با یک چک لیست که صفات خودپنداره، مردانگی را اندازه‌گیری می‌کرد مورد پژوهش و بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که در مقایسه با نوجوانان فاقد غیبت پدر، نوجوانان دچار غیبت اولیه به طور معنی‌داری دارای خودپنداره مردانگی منفی‌تری بودند. باربر و اکلز^۱ (۱۹۹۲) در ایالت پنسیلوانیای آمریکا در یک مقاله پژوهشی اثرات طلاق را بر ارزش‌های فردی و طرح‌های ذهنی افراد بالغ بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که طلاق بر عزت نفس کودکان تأثیر گذاشته و با پیامدهای تحصیلی آنها مرتبط است. هویونسوک و دونگ‌این^۲ (۱۹۹۷) در یک پژوهش زمینه‌یابی که بر روی ۲۷۵ نفر از نوجوانان خانواده‌های تک‌والدی انجام دادند، خصوصیات منابع مقابله‌ای خانواده را که شامل منابع مربوط به مادر، اجتماعی و اقتصادی بودند و هم‌چنین اثرات آنها را بر شادمانی روانشناختی^۳ نوجوانان مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش این پژوهشگران نشان داد که نوجوانان پس از، از دست دادن پدر، عزت نفس پایین‌تر و خودکنترلی کمتری داشتند. هم‌چنین دل‌بستگی قوی به مادر، احساس خودکنترلی بالا در حل مسایل عزت‌نفس بالاتر، را مورد پیش‌بینی قرار می‌دهد. فارنیک^۴ (۱۹۹۸) به بررسی اثرات روان‌شناختی غیبت پدر بر روی عزت نفس کودکان پرداخت. نتایج پژوهش وی نشان داد که غیبت پدر اثرات مخربی بر عزت نفس کودکان دارد و این اثرات با متغیرهایی نظیر نژاد، مذهب، جنس و شغل پدر همبستگی ندارد. بی‌شوپ و همکاران (۲۰۰۰) بر این اعتقادند که غیبت پدر پیامدهای منفی گوناگونی برای کودکان دارد از آن جمله به نارسایی در صلاحیت‌های اجتماعی، شناختی، درونی و بیرونی کردن مشکلات رفتاری و درکل منبع کنترل بیرونی اشاره می‌کند؛ و هویت فرد انسجام خود را از دست می‌دهد، و دچار خودپنداره منفی می‌شود و تأثیر غیبت پدر در پسران بیشتر از دختران است.

هیپ من و همکاران (۲۰۰۰) در تحقیقی که انجام دادند به این نتیجه رسیدند که غیبت پدر بر عملکرد تحصیلی کودکان تأثیر می‌گذارد و با منبع کنترل بیرونی و عزت نفس پایین همبستگی دارد و این تأثیرات در پسران بیشتر از دختران است. مک-لانهان^۵ (۲۰۰۱) با پژوهش بر روی ۳۲۸ دانش‌آموز دختر و پسر به این نتیجه رسید که غیبت پدر بر خودپنداره، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی تأثیر منفی می‌گذارد. در این پژوهش در متغیرهای عزت نفس، خودپنداره و پیشرفت تحصیلی دختران واکنش‌های منفی‌تری نسبت به پسران داشتند، اما در بهره هوشی تفاوت معناداری مشاهده نگردید. در پژوهشی که توسط کانزوا^۶ (۲۰۰۱) صورت گرفته است، مشخص گردید دخترانی که پدران‌شان غیبت طولانی داشتند دارای قاعدگی زودرس و عزت نفس پایین‌تر هستند. در پژوهشی که توسط مک لانهان (۲۰۰۱) صورت گرفت، کودکان سیاه‌پوست که پدران‌شان در خانواده حضور دارند با اطفال سیاه‌پوستی که پدران‌شان غایبند از لحاظ متغیرهای زیر مورد مقایسه قرار گرفتند: خودپنداره، عزت نفس، پیشرفت در خواندن، رفتار کلامی، فقدان تحرک، شخصیت و آرمان‌های بزرگسالی. نتایج پژوهش نشان داد که در متغیرهای خواندن، ریاضیات، رفتار کلامی، خودپنداره و عزت نفس تفاوت معنی‌داری وجود دارد. میشل^۷ (۲۰۰۱) در پژوهشی که بر روی دانشجویان پسر آمریکایی - آفریقایی انجام داد، نشان داد که دوری از پدر و غیبت پدر تأثیر بر روی هویت جنسی، تحول شناختی و مسایل رفتاری و هیجانی دانشجویان دارد. وی هم‌چنین نشان داد که بین دو گروه دانشجویان واجد پدر و فاقد پدر از نظر صفت خشم تفاوت معنی‌داری وجود دارد. گاتمن و روزنبرگ (۲۰۰۳) در پژوهشی که بر روی ۹۴ کودک از خانواده‌های تک‌والدی و ۹۵ نفر از کودکان خانواده‌های عادی انجام داد به این نتیجه رسید که تفاوت معناداری بین میزان سازگاری، عزت نفس و صمیمیت دو گروه وجود دارد. و در خانواده‌های تک‌والدی عملکرد پسران بهتر از دختران است. هیگینز و های^۸ (۲۰۰۳) طی پژوهشی ۱۶۸ دختر و پسر را از لحاظ سبک اسناد، عزت نفس و غیبت و عدم غیبت پدر از خانه مورد

- 1 . Barber & Eccles
- 2 . Hyunsook & Dongin
- 3 . Psychological
- 4 . Farenick
- 5 . Mclanhan
- 6 . Kanzawa
- 7 . Mitchel
- 8 . Higgins & Hay

مقایسه قرار دادند. نتایج نشان داد بین پسران و دخترانی که پدران شان غیبت دارند با آنهایی که پدران شان در خانواده حضور دارند از نظر سبک اسناد و عزت نفس تفاوت معناداری وجود دارد؛ بدین صورت کودکانی که پدران شان در خانه حضور ندارند دارای سبک اسناد نامناسب (کلی، بی ثبات و بیرونی) و عزت نفس پایین تر نسبت به گروه عادی می باشند. اما تأثیر غیبت پدر در دختران بیشتر از پسران است.

کوین لن^۱ (۲۰۰۳) در تحقیقی که در رابطه با غیبت پدر انجام داد به نتایج زیر رسید: طلاق و جدایی بین تولد تا ۵ سالگی، قاعدگی زودرس، عزت نفس پایین، خود پنداره منفی و کوتاه بودن مدت زندگی زناشویی و تعدد شرکای جنسی را در دختران و زنان پیش بینی می کند، همچنین بیان می کند که تأثیر زندگی با ناپدری بسیار کم و ناچیز است. دونا هو^۲ (۲۰۰۳) در پژوهشی که بر روی کودکان تکوالدی انجام داد به این نتایج رسید که طلاق و جدایی تأثیر عمیقی بر رشد تحصیلی کودکان دارد و باعث عزت نفس پایین در آنها می گردد.

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی و از نوع علی - مقایسه ای بود؛ جامعه آماری این پژوهش دانش آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان لار در سال تحصیلی ۹۷-۹۸ بود. نمونه گیری در این پژوهش به صورت خوشه ای چندمرحله ای تصادفی صورت گرفت. بدین ترتیب که ابتدا از بین مناطق خنج، اوز، گراش، جویم و بخش مرکزی که تحت نظر آموزش و پرورش لار هستند، به صورت تصادفی سه منطقه اوز، جویم و مرکزی انتخاب گردید. این سه منطقه در مجموع دارای ۳۸ مدرسه مقطع متوسطه دوم بودند که به تصادف ۱۰ مدرسه (۵ مدرسه پسرانه و ۵ مدرسه دخترانه) از بین آنها انتخاب گردید. پس از مراجعه به مدارس انتخاب شده ۱۰۰ نفر از دانش آموزان (۵۰ دانش آموز پسر و ۵۰ دانش آموز دختر) که پدر آنها شش ماه و بیشتر از خانه و فرزندان دور بودند انتخاب شدند؛ و رضایت آنها جهت شرکت در پژوهش جلب گردید. سپس ۱۰۰ دانش آموز عادی (۵۰ دانش آموز پسر و ۵۰ دانش آموز دختر) براساس معیارهایی همچون سن، پایه تحصیلی، سطح تحصیلات مادر، شاغل یا خانه دار بودن مادر، تعداد افراد خانواده و نداشتن برادر بزرگ تر از خود، انتخاب شدند و بدین ترتیب با گروه دانش آموزان دارای پدر با غیبت موقت همتا شدند.

ابزارهای پژوهش، اعتبار و پایایی آنها

۱- مقیاس منبع کنترل درونی - بیرونی راتر

این مقیاس که توسط راتر در سال ۱۹۹۶ تدوین گردیده است؛ شامل ۲۹ ماده می باشد که هر ماده دارای دو جمله به صورت «الف» و «ب» می باشد. از این ۲۹ ماده تعداد ۶ ماده به صورت خنثی^۱ تهیه شده است؛ که هیچ ارتباطی با متغیر منبع کنترل ندارد و تنها به منظور منحرف ساختن ذهن آزمودنی از هدف آزمون می باشد. شیوه معمول برای نمره گذاری، بدین صورت است که هر چه نمره فرد بیشتر شود، بیانگر گرایش آزمودنی به سمت منبع کنترل بیرونی است. در این راستا میانگین کل نمرات آزمودنی محاسبه گردید. سپس نمرات بالای میانگین در جهت منبع کنترل بیرونی و نمرات پایین میانگین در جهت منبع کنترل درونی آزمودنی ها در نظر گرفته شدند. نمره گذاری این مقیاس به صورت صفر و یک می باشد.

ضریب پایایی^۱ اولیه مقیاس منبع کنترل با استفاده از روش تنصیف برابر با ۰/۶۵ به روش کودریچاردسون^۲ ۰/۷۳ و با روش بازآزمایی با فاصله زمانی یک ماه ۰/۷۲ بدست آمده است (راتر، ۱۹۷۲).

برزگرفروبی و اربابی (۱۳۹۴) ضریب پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرنباخ ۰/۶۷ گزارش کرده است. رضایی، کاظمی و علایی (۱۳۹۲) نیز ضریب پایایی این پرسشنامه را با استفاده از روش آلفای کرنباخ ۰/۸۰ گزارش کردند. ضریب پایایی مقیاس منبع کنترل در پژوهش حاضر با استفاده از روش همسانی درونی (ضریب آلفای کرنباخ) معادل

1 . Quinlan
2 . Donahoo
1- Filler
1- Reliability
2- Kudcr-Richardson

۰/۸۴ بدست آمد. ضریب روایی همزمان این مقیاس با مقیاس عزت نفس کوپر اسمیت و خودپنداره پیرز- هاریس به ترتیب ۰/۶۱ و ۰/۷۲ بدست آمد که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار می‌باشد.

۲- مقیاس عزت نفس کوپر اسمیت

در این پژوهش به منظور سنجش عزت نفس از مقیاس عزت نفس کوپر اسمیت استفاده شد. کوپر اسمیت (۱۹۷۶) مقیاس عزت نفس خود را بر اساس تجدید نظری که بر روی مقیاس راجرو دیموند (۱۹۵۴) انجام داد، تهیه و تدوین نمود. این مقیاس خودگزارشی دارای ۵۸ ماده است که ۸ ماده آن یعنی ۶، ۱۳، ۲۰، ۲۷، ۳۴، ۴۱، ۴۸ و ۵۵ دروغ سنج است. اگر آزمودنی از ۸ ماده دروغ سنج بیش از ۴ نمره بیاورد، بدان معناست که آزمون معتبر نیست و آزمودنی سعی در بهتر جلوه دادن خود داشته است.

سوالات این آزمون به صورت بله یا خیر جواب داده می‌شوند. این مقیاس عزت نفس را به صورت بالا و پایین می‌سنجد. در این پژوهش نمرات بالای میانگین در جهت عزت نفس بالا و نمرات پایین میانگین در جهت عزت نفس پایین در نظر گرفته شدند. کوزه‌چیان، نوروزی سیدحسینی و مرادی (۱۳۹۱) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۸ گزارش کرده است. روایی و پایایی این آزمون توسط سالملا و نورمی^۱ (۲۰۰۷) نیز مورد تأیید قرار گرفته است. ضریب پایایی این مقیاس در این پژوهش با استفاده از روش آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۸ بدست آمد. ضریب روایی همزمان این مقیاس با مقیاس منبع کنترل راتر و خودپنداره پیرز- هاریس ۰/۶۸ و ۰/۷۹ بدست آمد که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار هستند.

۳- آزمون خودپنداره پیرز- هاریس

این مقیاس که توسط پیرز و هاریس در سال ۱۹۸۷ تدوین گردیده است؛ شامل ۸۰ ماده می‌باشد که دانش‌آموزان به صورت بلی یا خیر پاسخ می‌دهند. دامنه نمرات بین ۰ تا ۸۰ می‌باشد. نمره کل، تعداد سوالاتی را که در جهت مثبت خودپنداره پاسخ داده شده‌اند نشان می‌دهد. در این پژوهش نمرات بالای میانگین در جهت خودپنداره مثبت و نمرات پایین میانگین در جهت خودپنداره منفی در نظر گرفته شدند. بنابراین نمره بالا در این مقیاس خودپنداره مساعد و مثبت را نشان می‌دهد و نمره پایین خودپنداره منفی را نشان می‌دهد. عباسی (۱۳۷۴) ضریب پایایی مقیاس خودپنداره پیرز- هاریس را در یک نمونه ۹۰۰ نفری از دانش‌آموزان پسر و دختر شهرستان مشهد ۰/۹۰ گزارش کرده است (به نقل از دانشجو، ۱۳۷۷). ضریب پایایی این مقیاس در این پژوهش با استفاده از روش آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۶ بدست آمد. ضریب روایی همزمان این مقیاس با مقیاس منبع کنترل راتر و عزت نفس کوپر اسمیت ۰/۸۱ و ۰/۶۷ بدست آمد؛ که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار هستند.

یافته‌ها

دامنه سنی شرکت‌کنندگان در این پژوهش از ۱۴ تا ۱۹ سال بود؛ که بیشترین فراوانی به ترتیب مربوط به دانش‌آموزان ۱۵ ساله (۲۹ درصد) و ۱۶ ساله (۲۷ درصد) بود. درصد شرکت‌کنندگان ۱۴، ۱۷، ۱۸ و ۱۹ ساله نیز به ترتیب (۴ درصد)، (۱۷ درصد)، (۱۹ درصد) و (۴ درصد) بود. بنابراین میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۱۶/۳ است. درصد مربوط به تعداد برادر شرکت‌کنندگان عبارت است از: ۱ برادر (۱۲ درصد)، ۲ برادر (۳۲ درصد)، ۳ برادر (۲۰ درصد)، ۴ برادر (۱۶ درصد)، ۵ برادر (۱۴ درصد)، ۶ برادر (۵ درصد) و ۸ برادر (۱ درصد). وضعیت تحصیلات پدر شرکت‌کنندگان بدین صورت بود که بی‌سواد (۲ درصد)، ابتدایی (۲۴ درصد)، راهنمایی (۴۰ درصد) و دبیرستان و دیپلم (۳۴ درصد). وضعیت تحصیلات مادر شرکت‌کنندگان نیز بدین صورت بود که بی‌سواد (۱ درصد)، ابتدایی (۲۹ درصد)، راهنمایی (۲۹ درصد) و دبیرستان و دیپلم (۴۱ درصد).

جدول ۱: خلاصه اطلاعات مربوط به منبع کنترل، عزت نفس و خودپنداره گروه‌های مورد مطالعه

متغیر	گروه	جنس	ابعاد متغیر	فراوانی
منبع کنترل	دانش آموزان عادی	پسر	درونی	۲۲
			بیرونی	۲۸
	دختر	درونی	۲۰	
		بیرونی	۳۰	
عزت نفس	دانش آموزان دارای غیبت موقت پدر	پسر	درونی	۳۲
			بیرونی	۱۸
	دختر	درونی	۲۰	
		بیرونی	۳۰	
خود پنداره	دانش آموزان عادی	پسر	بالا	۴۱
			پایین	۹
	دختر	بالا	۴۴	
		پایین	۶	
منبع کنترل	دانش آموزان دارای غیبت موقت پدر	پسر	بالا	۱۱
			پایین	۳۹
	دختر	بالا	۱۲	
		پایین	۳۸	
عزت نفس	دانش آموزان عادی	پسر	مثبت	۴۷
			منفی	۳
	دختر	مثبت	۴۴	
		منفی	۶	
خود پنداره	دانش آموزان دارای غیبت موقت پدر	پسر	مثبت	۱۱
			منفی	۳۹
	دختر	مثبت	۱۰	
		منفی	۴۰	

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود متغیرهای مورد پژوهش به صورت طبقه‌ای و فراوانی برای گروه‌های مورد مطالعه ارائه شده است.

جدول ۲: نتایج آزمون خی دو برای مقایسه منبع کنترل دانش آموزان عادی و دانش آموزانی با غیبت موقت پدر.

دانش آموزان

متغیر	دانش آموزان عادی		دانش آموزان دارای غیبت موقت پدر		جمع	
	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار
منبع کنترل درونی	۴۲	۵۰	۵۲	۵۰	۹۴	۱۰۰
منبع کنترل بیرونی	۵۸	۵۰	۴۸	۵۰	۱۰۶	۱۰۰
جمع فراوانی واقعی						
جمع فراوانی مورد انتظار	۱۰۰		۱۰۰		۲۰۰	

سطح معناداری	درجه آزادی	خی دو محاسبه شده	مؤلفه
۰/۱۵	۱	۲/۰۰۷	pearson chi square

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود، و با توجه به خی دو محاسبه شده و سطح معناداری، آزمون خی دو معنادار نمی باشد. یعنی بین دانش آموزان عادی و دانش آموزانی که پدران شان غیبت موقت دارند از لحاظ منبع کنترل تفاوت معناداری وجود ندارد.

بعد از آزمون فرضیه اول برای بررسی بیشتر دو فرضیه فرعی دیگر مطرح شد؛ که به صورت خلاصه به نتایج آن می پردازیم. فرضیه الف) بین منبع کنترل پسران عادی و پسرانی که پدران شان غیبت موقت دارند، تفاوت وجود دارد. فرضیه ب) بین منبع کنترل دختران عادی و دخترانی که پدران شان غیبت موقت دارند، تفاوت وجود دارد. جدول ۳: نتایج آزمون خی دو برای مقایسه منبع کنترل پسران عادی و پسرانی که پدران شان غیبت موقت دارند.

پسران

متغیر	پسران عادی		پسران دارای غیبت موقت پدر		جمع	
	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار
منبع کنترل درونی	۲۲	۲۵	۳۲	۲۵	۵۴	۵۰
منبع کنترل بیرونی	۲۸	۲۵	۱۸	۲۵	۴۶	۵۰
جمع فراوانی واقعی						
جمع فراوانی مورد انتظار	۵۰		۵۰		۱۰۰	

سطح معناداری	درجه آزادی	خی دو محاسبه شده	مؤلفه
۰/۰۵	۱	۴/۰۲	pearson chi square

همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود و با توجه به $p=/.05$ سطح معنادار است؛ یعنی بین منبع کنترل پسران عادی با پسرانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند، تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به فراوانی واقعی، پسران دارای غیبت موقت پدر در مقایسه با پسران عادی از منبع کنترل درونی‌تری برخوردار هستند. جدول ۴: نتایج آزمون χ^2 دو برای مقایسه منبع کنترل دختران عادی با دخترانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند.

دختران

متغیر	دختران عادی		دختران دارای غیبت موقت پدر			جمع	
	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	
منبع کنترل درونی	۲۰	۲۵	۲۵	۲۰	۴۰	۵۰	
منبع کنترل بیرونی	۳۰	۲۵	۲۵	۳۰	۶۰	۵۰	
جمع فراوانی واقعی							
جمع فراوانی مورد انتظار	۵۰		۵			۱۰۰	

سطح معناداری	درجه آزادی	خی دو محاسبه شده	مؤلفه
۱/۰۰۰	۱	۰/۰۰۰	pearson chi square

همانطور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، و با توجه به $p=/.05$ سطح معنادار است؛ یعنی بین دختران عادی با دخترانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند، از نظر منبع کنترل تفاوت معناداری وجود ندارد. جدول ۵: نتایج آزمون χ^2 دو برای مقایسه عزت نفس دانش‌آموزان عادی با دانش‌آموزانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند.

دانش‌آموزان

متغیر	دانش‌آموزان عادی		دانش‌آموزان دارای غیبت موقت پدر		جمع	
	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار
عزت نفس پایین	۱۵	۵۰	۷۷	۵۰	۹۲	۱۰۰
عزت نفس بالا	۸۵	۵۰	۲۳	۵۰	۱۰۸	۱۰۰
جمع فراوانی واقعی						
جمع فراوانی مورد انتظار	۱۰۰		۱۰۰		۲۰۰	

سطح معناداری	درجه آزادی	خی دو محاسبه شده	مؤلفه
۰/۰۰۰	۱	۷۷	pearson chi square

همانطور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود و با توجه به $p=/.0001$ سطح معنادار است؛ یعنی بین دانش‌آموزان عادی با دانش‌آموزانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند از لحاظ عزت‌نفس

تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به فراوانی واقعی، دانش‌آموزان عادی در مقایسه با دانش‌آموزانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند، از عزت‌نفس بالاتری برخوردار هستند.

بعد از آزمون فرضیه دوم برای بررسی بیشتر دو فرضیه فرعی دیگر مطرح شد؛ که به صورت خلاصه به نتایج آن می‌پردازیم.

فرضیه الف) بین عزت‌نفس پسران عادی با پسرانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند، تفاوت وجود دارد.

فرضیه ب) بین عزت‌نفس دختران عادی با دخترانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند، تفاوت وجود دارد.

جدول ۶: نتایج آزمون خی‌دو برای مقایسه عزت‌نفس پسران عادی با پسرانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند.

پسران

متغیر	پسران عادی		پسران دارای غیبت موقت پدر		جمع	
	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار
عزت‌نفس پایین	۹	۲۵	۳۹	۲۵	۴۸	۵۰
عزت‌نفس بالا	۴۱	۲۵	۱۱	۲۵	۵۲	۵۰
جمع فراوانی واقعی	۵۰		۵۰		۱۰۰	
جمع فراوانی مورد انتظار	۵۰		۵۰		۱۰۰	

سطح معناداری	درجه آزادی	خی دو محاسبه شده	مولفه
۰/۰۰۰	۱	۳۶/۰۶	pearson chi square

همانطور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود و با توجه به خی دو محاسبه شده و سطح معناداری، آزمون خی دو در سطح $p=0.001$ معنادار می‌باشد؛ یعنی بین پسران عادی با پسرانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند از لحاظ عزت‌نفس تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به فراوانی واقعی، پسران عادی در مقایسه با پسرانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند، از عزت‌نفس بالاتری برخوردار هستند.

جدول ۷: نتایج آزمون خی دو برای مقایسه عزت‌نفس دختران عادی با دخترانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند.

دختران

متغیر	دختران عادی		دختران دارای غیبت موقت پدر		جمع	
	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار
عزت‌نفس پایین	۶	۲۵	۳۸	۲۵	۴۴	۵۰
عزت‌نفس بالا	۴۴	۲۵	۱۲	۲۵	۵۶	۵۰
جمع فراوانی واقعی	۵۰		۵۰		۱۰۰	
جمع فراوانی مورد انتظار	۵۰		۵۰		۱۰۰	

سطح معناداری	درجه آزادی	خی دو محاسبه شده	مؤلفه
۰/۰۰۰	۱	۴۱/۵	pearson chi square

همانطور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود و با توجه به خی دو محاسبه شده و سطح معناداری، آزمون خی دو در سطح $p=0.001$ معنادار می‌باشد. یعنی بین دختران عادی با دخترانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند از لحاظ عزت نفس تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به فراوانی واقعی، دختران عادی در مقایسه با دخترانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند، از عزت نفس بالاتری برخوردار هستند.

جدول ۸ نتایج آزمون خی دو برای مقایسه خودپنداره دانش‌آموزان عادی با دانش‌آموزانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند.

دانش‌آموزان

متغیر	دانش‌آموزان عادی		دانش‌آموزان دارای غیبت موقت پدر		جمع	
	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار
خودپنداره منفی	۹	۵۰	۷۹	۵۰	۸۸	۱۰۰
خودپنداره مثبت	۹۱	۵۰	۲۱	۵۰	۱۱۲	۱۰۰
جمع فراوانی واقعی						
جمع فراوانی مورد انتظار	۱۰۰		۱۰۰		۲۰۰	

سطح معناداری	درجه آزادی	خی دو محاسبه شده	مؤلفه
۰/۰۰۰	۱	۹۹/۴	pearson chi square

همانطور که در جدول ۸ مشاهده می‌شود و با توجه به خی دو محاسبه شده و سطح معناداری، آزمون خی دو در سطح $p=0.001$ معنادار می‌باشد. یعنی بین دانش‌آموزان عادی با دانش‌آموزانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند از لحاظ خودپنداره تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به فراوانی واقعی، دانش‌آموزان عادی در مقایسه با دانش‌آموزانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند، از خودپنداره مثبت‌تری برخوردار هستند.

فرضیه ب) بین خودپنداره دختران عادی با دخترانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند، تفاوت وجود دارد.

بعد از آزمون فرضیه سوم برای بررسی بیشتر دو فرضیه فرعی دیگر مطرح شد؛ که به صورت خلاصه به نتایج آن می‌پردازیم:

فرضیه الف) بین خودپنداره پسران عادی با پسرانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند، تفاوت وجود دارد.

فرضیه ب) بین خودپنداره دختران عادی با دخترانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند، تفاوت وجود دارد.

جدول ۹ نتایج آزمون خی دو برای مقایسه خودپنداره پسران عادی با پسرانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند.

پسران

متغیر	پسران عادی		پسران دارای غیبت موقت پدر		جمع	
	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار
خودپنداره منفی	۳	۲۵	۳۹	۲۵	۴۲	۵۰

خودپنداره مثبت	۴۷	۲۵	۱۱	۲۵	۵۸	۵۰
جمع فراوانی واقعی		۵۰		۵۰		۱۰۰
جمع فراوانی مورد انتظار						

سطح معناداری	درجه آزادی	خی دو محاسبه شده	مولفه
۰/۰۰۰	۱	۵۳/۲	pearson chi square

همانطور که در جدول ۹ مشاهده می شود و با توجه به خی دو محاسبه شده و سطح معناداری، آزمون خی دو در سطح $p=0.001$ معنادار می باشد. یعنی بین پسران عادی با پسرانی که پدران شان غیبت موقت دارند از لحاظ خودپنداره تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به فراوانی واقعی، پسران عادی در مقایسه با پسرانی که پدران شان غیبت موقت دارند، از خودپنداره مثبت تری برخوردار هستند.

جدول ۱۰: نتایج آزمون خی دو برای مقایسه خودپنداره دختران عادی با دخترانی که پدران شان غیبت موقت دارند.

دختران

متغیر	دختران عادی		دختران دارای غیبت موقت		جمع	
	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار
خودپنداره منفی	۶	۲۵	۴۰	۲۵	۴۶	۵۰
خودپنداره مثبت	۴۴	۲۵	۱۰	۲۵	۵۴	۵۰
جمع فراوانی واقعی						
جمع فراوانی مورد انتظار		۵۰		۵۰		۱۰۰

سطح معناداری	درجه آزادی	خی دو محاسبه شده	مولفه
۰/۰۰۰	۱	۴۶/۵	pearson chi square

همانطور که در جدول ۱۰ مشاهده می شود و با توجه به خی دو محاسبه شده و سطح معناداری، آزمون خی دو در سطح $p=0.001$ معنادار می باشد. یعنی بین دختران عادی با دخترانی که پدران شان غیبت موقت دارند از لحاظ خودپنداره تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به فراوانی واقعی، دختران عادی در مقایسه با دخترانی که پدران شان غیبت موقت دارند، از خودپنداره مثبت تری برخوردار هستند.

جدول ۱۱: نتایج آزمون خی دو برای مقایسه منبع کنترل دختران با پسرانی که پدران شان غیبت موقت دارند.

جنسیت

متغیر	دختر		پسر		جمع	
	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار
منبع کنترل درونی	۲۰	۲۵	۳۲	۲۵	۵۲	۵۰

منبع کنترل بیرونی	۳۰	۲۵	۱۸	۲۵	۴۸	۵۰
جمع فراوانی واقعی						
جمع فراوانی مورد انتظار	۵۰		۵۰		۱۰۰	

سطح معنا داری	درجه آزادی	خی دو محاسبه شده	مولفه
۰/۰۵	۱	۵/۷۸	pearson chi square

همانطور که در جدول ۱۱ مشاهده می شود و با توجه به خی دو محاسبه شده و سطح معناداری، آزمون خی دو در سطح $p=0.05$ معنادار می باشد. یعنی بین دختران با پسرانی که پدران شان غیبت موقت دارند از لحاظ منبع کنترل تفاوت معناداری وجود دارد. با توجه به فراوانی واقعی، پسران در مقایسه با دختران از منبع کنترل درونی تری برخوردار هستند. جدول ۱۲: نتایج آزمون خی دو برای مقایسه عزت نفس دختران با پسرانی که پدران شان غیبت موقت دارند.

جنسیت

متغیر	دختر		پسر		جمع	
	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار
عزت نفس پایین	۳۸	۲۵	۳۹	۲۵	۷۷	۵۰
عزت نفس بالا	۱۲	۲۵	۱۱	۲۵	۲۳	۵۰
جمع فراوانی واقعی						
جمع فراوانی مورد انتظار	۵۰		۵۰		۱۰۰	

سطح معناداری	درجه آزادی	خی دو محاسبه شده	مولفه
۰/۱۸	۱	۰/۰۵	pearson chi square

همانطور که در جدول ۱۲ مشاهده می شود و با توجه به خی دو محاسبه شده و سطح معناداری، آزمون خی دو معنادار نمی باشد. یعنی بین دختران با پسرانی که پدران شان غیبت موقت دارند از لحاظ عزت نفس تفاوت معناداری وجود ندارد. جدول ۱۳: نتایج آزمون خی دو برای مقایسه خودپنداره دختران با پسرانی که پدران شان غیبت موقت دارند.

جنسیت

متغیر	دختر		پسر		جمع	
	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار	فراوانی واقعی	فراوانی مورد انتظار
خودپنداره منفی	۴۰	۲۵	۳۹	۲۵	۷۹	۵۰
خودپنداره مثبت	۱۰	۲۵	۱۱	۲۵	۲۱	۵۰
جمع فراوانی واقعی						
جمع فراوانی مورد انتظار	۵۰		۵۰		۱۰۰	

جمع فراوانی مورد انتظار		
-------------------------	--	--

سطح معنا داری	درجه آزادی	خی دو محاسبه شده	مؤلفه
۰/۸۱	۱	۱/۰۶۰	pearson chi square

همانطور که در جدول ۱۳ مشاهده می‌شود و با توجه به خی دو محاسبه شده و سطح معناداری، آزمون خی دو معنادار نمی‌باشد. یعنی بین دختران با پسرانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند از لحاظ خودپنداره تفاوت معناداری وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری:

یافته‌های حاکی از این است که بین منبع کنترل دانش‌آموزان عادی و دانش‌آموزانی که پدرشان غیبت موقت دارند، تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج این پژوهش در این بُعد با نتایج پژوهش‌های میزایخوک و گلوریا (۱۹۹۵) و دهقانی (۱۳۸۰) همسو و با نتایج پژوهش‌های لنکستر و ریچموند (۱۹۸۳)، بی‌شوپ و همکاران (۲۰۰۰)، هیپ‌من و همکاران (۲۰۰۰)، هیگینز و های (۲۰۰۳) و حسین‌چاری (۱۳۷۵) مخالف است.

همچنین یافته‌ها نشان داد که بین منبع کنترل پسران عادی و پسرانی که پدرشان غیبت موقت دارند تفاوت معناداری وجود دارد. نتیجه این آزمون با نتایج پژوهش‌های مک لانهان (۲۰۰۱)، هیگینز و های (۲۰۰۳) و یحیایی (۱۳۷۳) و ... مخالف است. ولی پژوهشی همسو با نتیجه این آزمون پیدا نشد.

نیز یافته‌ها حاکی از این است که بین منبع کنترل دختران عادی و دخترانی که پدرشان غیبت موقت دارند. تفاوت معناداری وجود ندارد. این نتیجه همسو با نتیجه آزمون فرضیه اول است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که هر چند به عقیده برخی از پژوهشگران نظیر لنکستر و ریچموند (۱۹۸۳) وقتی پدر از دست می‌رود، منبع کنترل کودک بیرونی‌تر می‌شود. ولی بعضی پژوهشگران با این نکته متفق القول نیستند؛ مثلاً "دان و همکاران (۲۰۰۴) بیان می‌کنند که اثرات غیبت پدر بر روی منبع کنترل کودکان بستگی به نوع برخورد و بازخورد مادر با کودکان در طی فقدان یا غیبت پدر دارد و مادر می‌تواند اثرات غیبت پدر را از طریق واکنش‌های خود تعدیل نماید. همچنین پژوهش‌های محدودی هستند که بیان می‌کنند غیبت پدر می‌تواند اثرات مثبتی بر روی کودکان داشته باشد؛ مثلاً سینگ و نلسون^۱ (۱۹۹۶؛ به نقل از دان و همکاران، ۲۰۰۴) بیان می‌کنند که غیبت پدر موجب می‌شود که کودک به منظور جبران صدمات وارد آمده به دنیای اطراف و بزرگسالان متوسل می‌شود و این تعاملات با دنیای بزرگسالان حس خود اتکایی و عزت‌نفس او را تقویت می‌کند و این امر نه تنها موجب منبع کنترل بیرونی نمی‌گردد؛ بلکه باعث تقویت منبع کنترل درونی می‌گردد؛ زیرا حس مسئولیت و خود اتکایی را در کودکان افزایش می‌دهد.

عامل دیگری که ممکن است در توجیه این یافته دخیل باشد عامل فرهنگ و اجتماع می‌باشد. به نظر راتر منبع کنترل در جوامع مختلف به صورت گوناگون رشد می‌کند. فرهنگ، اجتماع و طبقه اقتصادی یک عامل تعیین‌کننده در بیرونی یا درونی شدن منبع کنترل می‌باشد (کلانیک^۲، ۱۹۷۸؛ فرای و گوش^۳، ۱۹۸۰؛ جنسن و همکاران، ۱۹۹۰؛ سیلمن، ۱۹۹۳ و آلن و لستر^۴، ۱۹۹۷). در پژوهشی که میزوکاوا^۵ (۱۹۹۰) در فرهنگ‌های مختلف درباره منبع کنترل انجام داد، نشان داد که برخی از

^۱ . Sing & Nelson

^۲ . Kleinke

^۳ . Ghosh

^۴ . Allen & Lester

^۵ . Mizokawa

فرهنگ‌ها زمینه قبلی و آمادگی بیشتری را برای رشد منبع کنترل درونی یا بیرونی فراهم می‌کنند و در جوامعی که بر استقلال فردی و مسئولیت‌پذیری تأکید دارند شرایط مساعدتری برای رشد منبع کنترل درونی بوجود می‌آورند. در کل می‌توان با توجه به بعد فرهنگی خاصی که در جامعه ما حاکم است، این نتایج را به عنوان بازخورد مادران در غیاب پدر، نوع حمایتی که کودکان در غیبت پدر از اطرافیان دریافت می‌کنند و فرهنگ خاص حاکم بر شهرستان لار که برخی پدران جهت تأمین معیشت به خارج از کشور سفر می‌کنند، نسبت داد. غیبت پدر یک پدیده رایج در این شهرستان است و همین عامل ممکن است فشار روانی حاصل از غیبت موقت پدر بر روی کودکان را کمتر کند.

یافته‌های حاصل از پژوهش نشان داد که بین عزت‌نفس دانش‌آموزان عادی و دانش‌آموزانی که پدرشان غیبت موقت دارد تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج این پژوهش در بعد مقایسه عزت‌نفس دو گروه با نتایج پژوهش‌های چاپمن (۱۹۷۷)، لنکستر و ریچموند (۱۹۸۳)، فرای و شر (۱۹۸۱؛ به نقل از روی و فوگو، ۱۹۸۳)، ساتون - اسمیت و همکاران (۱۹۸۶)، باربرو اکلز (۱۹۹۲)، هویونسوک و دونگ‌این (۱۹۹۲)، هیپمن و همکاران (۲۰۰۰)، مک لانهان (۲۰۰۱)، زوزدیک (۲۰۰۱)، کانزوا (۲۰۰۱)، هیگینز و های (۲۰۰۳)، کوین‌لن (۲۰۰۳)، دوناهو (۲۰۰۳)، گاتمن و روزنبرگ (۲۰۰۳) و در جامعه ایرانی با یحیایی (۱۳۷۳)، بخشی (۱۳۷۱) و بداغی (۱۳۷۷) همسو می‌باشد. این یافته نیز با نتایج پژوهش‌های تارانتینو (۱۹۸۹)، فارینک (۱۹۹۸) و ملکی (۲۰۰۳) مخالف است؛ و در کل اکثر پژوهش‌ها نشان داده‌اند که فقدان و یا غیبت پدر اثرات منفی بر روی عزت‌نفس فرزندان دارد.

همچنین یافته‌ها حاکی از این است که بین عزت‌نفس پسران عادی و پسرانی که پدرشان غیبت موقت دارد تفاوت معناداری وجود دارد. این یافته با نتیجه آزمون فرضیه دوم همسو است. همچنین یافته‌ها نشان داد که بین عزت‌نفس دختران عادی با دخترانی که پدرشان غیبت موقت دارد تفاوت معناداری وجود دارد. این یافته نیز با نتیجه آزمون فرضیه دوم همسو است.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که عزت‌نفس مؤلفه‌ای است که بیشتر تحت تأثیر عوامل محیطی و شرایط استرس‌زا، از قبیل طلاق، فقدان یکی از والدین، غیبت پدر و ... قرار می‌گیرد و اهمیت محیط خانوادگی در تکوین و رشد شخصیت کودک امری است که محققان زیادی به بررسی آن پرداخته‌اند. جان بالبی^۱ (۱۹۸۲) بر این اعتقاد است که افراد در هر سنی هنگامی سازگاری عاطفی و اجتماعی بیشتری نشان می‌دهند که به پاسخگویی افراد مهم در زندگی اطمینان داشته باشند. به وجود آوردن یک محیط ایمن برای نوجوان جهت اکتشاف استقلال و تسلط بر محیط خود با عملکرد سازگارانه وی مرتبط می‌باشد (به نقل از گراتونت و کوپر^۲، ۱۹۸۶).

هارتس و پاور^۳ (۲۰۰۰) در مروری بر روی ارتباط والدین و تأثیر آن بر عوامل مهم و موثر در رشد و شخصیت کودک و نوجوان، کیفیت روابط والدین و نوجوان را با عواملی چون پیشرفت تحصیلی (ماسلام، ۱۹۹۰)، عزت‌نفس (دمو، ۱۹۸۶) و سلامت روان (لولینز، ۱۹۹۵) دارای رابطه مثبت و با عواملی چون تنهایی، افسردگی در نوجوان (بریج و موریت، ۱۹۹۴) و رفتارهای بزهکارانه (جانسون، ۱۹۹۵) دارای رابطه منفی گزارش کردند.

همچنین هولاهان، و آلتینر و موس^۴ (۱۹۹۵) در پژوهش خود نشان دادند که حمایت والدین با فشار روانی کمتر در دوران تغییرات سریع نوجوانی رابطه مثبت دارد و نوجوانانی که از حمایت بیشتر و برخوردارند والدین برخوردارند سازگاری بیشتر و و درماندگی کمتری دارند.

1. Bowlbe

2. Gratevant & Cooper

3. Hartos & Power

4. Holahan, Valentiner & Moss

پژوهش کوپر اسمیت (۱۹۶۷) در ارتباط با عوامل تشکیل‌دهنده عزت نفس مبین این مطلب است که شیوه فرزندپروری عامل کلیدی در رشد عزت نفس می‌باشد و نتایج پژوهش‌های وی حاکی از این است که عزت نفس بالا در کودکان مرتبط با پذیرش والدین، محدودیت‌هایی که به دقت تعیین شده‌اند و استفاده کمتر از عامل دریغ محبت در قبال بدرفتاری‌های کودکان می‌باشد. به نظر می‌رسد که تأثیر اصلی حمایت و علاقه والدین در انتقال آگاهی به کودک به این علت است که او را دارای ارزشی ذاتی می‌دانند. رفتارهای محبت‌آمیز و حمایت‌گرایانه والدین از طرفی با بخش خود ارزشمندی عزت‌نفس در ارتباط می‌باشد؛ و از طرف دیگر از طریق به وجود آوردن محیط امن برای کودک بخش خودکارآمدی عزت نفس او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین خودپنداره دانش‌آموزان عادی و دانش‌آموزانی که پدرشان غیبت موقت دارد تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر در بعد مقایسه خودپنداره دانش‌آموزان عادی با دانش‌آموزانی که پدرشان غیبت موقت دارند با نتایج پژوهش‌های ساتون - اسمیت و همکاران (۱۹۶۸)، دیس کمپس (۱۹۷۸)، پاریش (۱۹۷۹)، فرای و شر (۱۹۸۱)؛ به نقل از روی و فوگو، (۱۹۸۳)، گای (۱۹۹۱)، روحی (۱۹۹۱)، بی‌شوپ و همکاران (۲۰۰۰)، مک لانهان (۲۰۰۱)، میشل (۲۰۰۱)، زوزدیک (۲۰۰۱)، کوین لن (۲۰۰۳) و در پژوهش‌های داخلی با نتایج محمدیون (۱۳۷۴) همسو می‌باشد و تنها با نتیجه پژوهش تارانتینو (۱۹۸۹) مخالف می‌باشد.

همچنین یافته‌ها نشان داد که بین خودپنداره پسران عادی و پسرانی که پدرشان غیبت موقت دارد، تفاوت معناداری وجود دارد. این یافته با نتیجه آزمون فرضیه سوم همسو می‌باشد. همچنین نتایج نشان داد که بین خودپنداره دختران عادی با دخترانی که پدرشان غیبت موقت دارد تفاوت معنادار وجود دارد. این یافته با نتیجه آزمون فرضیه سوم همسو است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان بیان داشت که، هنگامی که از رشد خود و خودپنداره سخن به میان می‌آید، نقش ویژه خانواده در تکوین خودپنداره را نمی‌توان نادیده گرفت. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که رشد خودپنداره نه تنها تحت تأثیر محبت و علاقه والدین قرار دارد، بلکه متأثر از چالش‌ها و تعارضات و چگونگی حل آن‌ها نیز هست. وندرلیپ^۱ (۲۰۰۰) در پژوهشی که بر روی تعاملات خانوادگی انجام داد به این نتیجه رسید که در حل تعارضات خانوادگی بکارگیری روش‌هایی چون حل مساله، توضیح و تبیین موضوع مورد عدم توافق و همچنین پذیرش و درک نوجوان با سطوح بالای رشد آنها مرتبط است. در کل می‌توان گفت که خانواده با توجه به اینکه نقش بسزایی در رشد خودپنداره در کودکان و نوجوانان دارد غیبت پدر بر خودپنداره کودکان و رشد آن تأثیر منفی می‌گذارد.

از دیگر یافته‌های این پژوهش این بود که بین منبع کنترل دختران و پسرانی که پدرشان غیبت موقت دارد، تفاوت معناداری وجود دارد؛ و با توجه به فراوانی واقعی می‌توان گفت که پسران دارای منبع کنترل درونی‌تری نسبت به دختران هستند. نتایج پژوهش حاضر در بعد مقایسه منبع کنترل دختران و پسرانی که پدرشان غیبت موقت دارند با نتایج پژوهش‌های راتر (۱۹۸۲)، جیر (۱۹۹۰)، جنسن و همکاران (۱۹۹۰)، سیلیمن (۱۹۹۳)، دلگارد و بچرک (۱۹۹۵)، هیگینز و های (۲۰۰۳) و حسین‌چاری (۱۳۷۵) همسو می‌باشد؛ و با نتایج پژوهش‌های بی‌شوپ و همکاران (۲۰۰۰)، هیپمن و همکاران (۲۰۰۰)، هستن (۱۹۸۴)، پاگیو (۱۹۸۷) و ریچ (۱۹۹۸) مخالف است.

در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که تفاوت‌های جنسیتی در منبع کنترل ریشه در تجربه‌های فرهنگی دارد (مای کیوسی و رایکمن^۲، ۱۹۷۷)؛ زیرا تجربه‌های محیطی ویژه زنان و مردان در فرهنگ‌های مختلف متفاوت است. نوع پسخوراندی که زنان و مردان از محیط اطراف دریافت می‌کنند از فرهنگ حاکم بر جامعه آنها تأثیر می‌گیرند. زنان در مقایسه با مردان از نظر فیزیکی ضعیف‌ترند و این امر در خودپنداره آنها نقش موثری دارد. از نظر فرهنگی نیز زنان محدودیت‌های بیشتری از مردان دارند و این محدودیت‌ها با توجه به نقش ناشی از جنسیت آنهاست که در فرهنگ ایرانی نمود بیشتری پیدا می‌کند. مای

1. Vonderlippe

2. Mahkiosi & Ryckman

کیوسی و رایکمن (۱۹۷۷) درباره تفاوت‌های جنسیتی از نقطه نظر منبع کنترل می‌نویسند: در اکثر پژوهش‌های انجام شده زنان در مقایسه با مردان از منبع کنترل بیرونی‌تری برخوردارند و این امر ناشی از نقش قالبی زنان در میزان منفعل بودن آنها در جامعه است از سوی دیگر، مسؤلیت زندگی بیشتر به عهده مردان است تا زنان و همین امر نیز نقش عمده‌ای در گرایش مردان به منبع کنترل درونی دارد. به نظر می‌رسد استقلال بیشتر پسران عامل اساسی در وجود و ادراک کنترل درونی می‌باشد و مردان بیشتر از زنان تمایل دارند در معرض بازخورد منفی قرار گیرند، پس با توجه به نتیجه پژوهش حاضر می‌توان گفت که شاید دختران و پسران در فرهنگ ما (حداقل در شهرستان لار) غیبت موقت پدر را به صورت‌های متفاوت تفسیر می‌کنند، و واکنش‌های متفاوتی در برابر این پدیده نشان می‌دهند.

همچنین یافته‌های حاصل از پژوهش حاکی از این است که بین عزت‌نفس دختران و پسرانی که پدرشان غیبت موقت دارد تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج پژوهش حاضر در بعد مقایسه عزت‌نفس دختران و پسرانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند با نتایج پژوهش‌های لیندس کلد (۱۹۷۳)، چاپمن (۱۹۷۷)، امالی و باچمن (۱۹۸۳)، تارانتینو (۱۹۸۹)، فارنیک (۱۹۹۸) و در پژوهش‌های داخلی با حیایی (۱۳۷۳) همسو می‌باشد؛ و با نتایج تحقیقات ساتون-اسمیت و همکاران (۱۹۶۸)، مک لانهان (۲۰۰۱)، هیگینز و های (۲۰۰۳)، گاتمن و روزنبرگ (۲۰۰۳)، ملکی (۲۰۰۳) و بخشی (۱۳۷۱) مخالف است.

هر چند نتایج پژوهش‌ها در افراد عادی نشان می‌دهد که عزت‌نفس در پسران بالاتر از دختران می‌باشد (رابیسون و همکاران، ۱۹۸۶؛ شکرایی، ۱۹۹۶؛ استربین و راکو، ۱۹۹۶؛ کولادراسی و کب، ۱۹۹۶؛ لرنر، ۱۹۹۸) ولی در زمینه تأثیر غیبت موقت پدر بر عزت‌نفس دختران و پسران به صورت مختلف پیشینه پژوهشی کمتری وجود دارد و نمی‌توان با قاطعیت کامل ابراز داشت که غیبت پدر دختران و پسران را به نحو مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نیز یافته‌های حاصل از پژوهش حاکی از این است که بین خودپنداره دختران و پسرانی که پدرشان غیبت موقت دارد، تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج این پژوهش در بعد مقایسه خودپنداره دختران و پسرانی که پدران‌شان غیبت موقت دارند با نتایج پژوهش‌های پاریش (۱۹۷۹)، تارانتینو (۱۹۸۹) و محمدیون (۱۳۷۴) همسو می‌باشد؛ ولی با نتایج پژوهش‌های بی‌شوپ و همکاران (۲۰۰۰)، هیپ‌من و همکاران (۲۰۰۰) و مک لانهان و همکاران (۲۰۰۱) مخالف است. هر چند برخی از تحقیقات نظیر (ولف، ۱۹۸۱؛ راتر، ۱۹۸۳) به آسیب‌پذیر بودن پسران در مقایسه با دخترها از نظر واکنش در برابر استرس تأکید کرده‌اند؛ و مطالعات فیشر و همکارانش (۱۹۹۷) نشان داد که پسران بیشتر از دخترها تحت تأثیر فوت پدر قرار می‌گیرند (به نقل از دان و همکاران، ۲۰۰۴) ولی این مسأله هنوز در بسیاری از فرهنگ خصوصاً فرهنگ ایرانی قطعیت پیدا نکرده است؛ و برای توجیه این پدیده باید مطالعات بین فرهنگی زیادی انجام شود.

پیشنهادهای پژوهش

با توجه به نتایج بدست آمده در این پژوهش، پیشنهاد می‌گردد که به مقایسه پیشرفت تحصیلی، سلامت‌روان و دیگر متغیرها در بین دانش‌آموزان عادی و دانش‌آموزانی که پدر آن‌ها هر از چند ماه یکبار به خانه می‌آید پرداخت. همچنین از آنجا که افراد در مقاطع مختلف سنی، ویژگی‌های روان‌شناختی متفاوتی دارند، پیشنهاد می‌گردد که تأثیر غیبت موقت پدر را بر دانش‌آموزان سایر دوره‌های تحصیلی نیز مورد سنجش قرار داد. همچنین تأثیر نبود مرد در خانه را می‌توان بر وضعیت روان‌شناختی همسران‌شان نیز مورد پژوهش قرار داد. از جمله پیشنهاد‌های عملی برگرفته از نتایج این پژوهش نیز می‌توان به نقش معلمان در مدارس که دارای دانش‌آموزانی است که پدر خود را هر چند ماه یکبار می‌بینند، اشاره کرد. معلمان باید در روابط خود با این دانش‌آموزان دقت لازم را داشته باشند و به ویژگی‌های متفاوت روانی این دانش‌آموزان که برخی از آن‌ها به وسیله این پژوهش روشن گردید، توجه داشته باشند. همراهی، توجه بیشتر و راهنمایی بزرگسالانی همچون دایی، عمو و... می‌تواند برای دانش‌آموزانی که پدرشان از آن‌ها دور باشد، مؤثر باشد. همچنین به پدرانی که به دلایل شغلی و... مدت زیادی را دور از خانواده سپری می‌کنند، توصیه می‌گردد، در صورت امکان فاصله زمانی بین بازدید از فرزندان را کمتر کنند و به هنگام حضور ارتباط با کیفیتی با فرزندان خود داشته باشند.

در هر پژوهشی محدودیت‌هایی وجود دارد که ممکن است بر نتایج پژوهش مؤثر واقع شود؛ که از جمله آن‌ها می‌توان به بی-انگیزگی برخی از دانش‌آموزان در پاسخگویی به پرسشنامه‌ها، طولانی بودن پرسشنامه‌ها و در نتیجه اثر خستگی به هنگام پاسخدهی اشاره کرد. در پایان نیز از تمامی مسئولین ادارات آموزش و پرورش مناطق، مدیران مدارس و دانش‌آموزان که برای انجام این پژوهش همکاری‌های لازم را به عمل آوردند، تشکر و قدردانی می‌گردد.

مراجع

- ۱- آدامز، میلر و اسکرف. (۱۳۹۵). *روانشناسی کودکان محروم از پدر*. ترجمه خسرو باقری و محمد عطاران، تهران: انتشارات تربیت.
- ۲- اتکینسون، ریتال؛ اتکینسون، ریچارد، س و هیلگارد، ارسنت ر. (۱۳۹۷). *زمینه روانشناسی*. ترجمه محمد تقی براهنی و همکاران، جلد اول و دوم، تهران: انتشارات رشد.
- ۳- بداعی، محمدحسن. (۱۳۷۷). *بررسی تأثیر فقدان پدر بر عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان شاهد در مقایسه با دیگر دانش‌آموزان سوم راهنمایی سال تحصیلی ۷۶-۷۷ شهر شیراز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. شیراز: دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه شیراز.
- ۴- بزرگربفروبی، کاظم؛ اربابی، یونس. (۱۳۹۴). *رابطه بین منبع کنترل و تنیدگی شغلی با رضایت شغلی در معلمان و کارکنان مدارس استثنایی. تعلیم و تربیت استثنایی*، ۱ (۱۲۹)، ۲۴-۱۵.
- ۴- بخشی، گلناز. (۱۳۷۱). *بررسی میزان افسردگی و پرخاشگری در کودکان شاهد*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- ۵- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۷۲). *پژوهشی در مورد بررسی رابطه بین مفاهیم منبع کنترل، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان*. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۲ (۶)، ۹۸-۱۱۳.
- ۶- حسین چاری، مسعود. (۱۳۷۵). *بررسی و مقایسه هسته کنترل در دانش‌آموزان دبیرستانی شاهد و غیرشاهد شهر جیرفت*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی. دانشگاه شیراز.
- ۷- رضانی، سیده‌گل افروز؛ کاظمی، یحیی؛ علایی، حبیبه. (۱۳۹۲). *رابطه منبع کنترل دانش‌آموزان با گرایش آن‌ها به انواع سبک‌های انضباطی معلمان*. فصلنامه علمی - پژوهشی *رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۴ (۲)، ۸۳-۹۸.
- ۹- دهقانی، فاطمه. (۱۳۸۰). *بررسی مقایسه ای ارتباط بین منبع کنترل و رفتار بزهکارانه در جامعه دختران نوجوان عادی و بزهکار کانون اصلاح و تربیت شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی دانشگاه الزهرا (س).
- ۱۰- ذکایی، رضا. (۱۳۷۹). *بررسی رابطه مفهوم خود (خود پنداره) و سبک‌های اسناد با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان پسر سال سوم رشته علوم تجربی دبیرستان‌های دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۷۹-۷۸*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- ۱۱- شکرکن، حسین و نیسی. (۱۳۷۳). *تأثیر عزت نفس بر عملکرد دانش‌آموزان پسر و دختر دبیرستانی*. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اهواز*، ۱ (۲)، ۲۹-۴۲.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۹۷). *روان‌شناسی رشد*. تهران: انتشارات اطلاعات.

- ۱۲- ماسن، پاول هنری و همکاران. (۱۳۹۵). رشد و شخصیت کودک. ترجمه مهشید یاسائی. تهران: انتشارات رشد.
- ۱۳- محمدیون، صدیقه. (۱۳۷۴). رابطه فقدان پدر با خویشتن‌پنداری در دانش‌آموزان شاهد و مقایسه آن با دانش‌آموزان غیر شاهد در مقطع مدارس گرگان و گنبد کاووس. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۴- مزلو، ابراهام، اج. (۱۳۸۹). انگیزش و شخصیت. ترجمه احمد رضوانی. انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۱۵- یحیایی، قربانعلی. (۱۳۷۳). بررسی رابطه بین عزت نفس و افسردگی در دانش‌آموزان فاقد و واجد پدر، دبیرستان‌های شهرستان زلزله‌زده رودبار در سال تحصیلی ۷۳-۷۲. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- 1- Allen, J. & Lester, D. (1997). Belief in paranormal phenomena and an external locus of control. *Perceptual and Motor Skills*, 79 (1, p6.1), 226.
- 2- Amato, P.R. & Ochiltree, G. (1986). Family resources and the development of competence. *Journal of the Marriage and the Family*, 48, 47-56.
- 3- Amato, P.R. (1997). Contact with non-custodial fathers and children wellbeing. *Family Matters*, 36, 32-34.
- 4- Barber, B.L. & Eccles, J.S. (1992). Long-term influence of divorce and single parenting on adolescent family war related values and aspirations. *Psychological Bulletin*. 111 (1).
- 5- Bishop, J., Lauderdale, F.L. & Lane, R. (2000). Father absence and the attitude of entitlement. *Journal of Contemporary Psychotherapy*, 30(1), 105-117.
- 6- Chapman, M. (1977). Father absence step fathers and the cognitive performance of college students, *Child Development*. 48.
- 7- Cooper Smith, S. (1967). *The antecedents of self-esteem*. Sanfransisco: W.H. Freeman and company.
- 8- Sutton - Smith, B. Rosenberg, B.G. & Landy, F. (1968). Father effects in families of different similarly composition. *Child Development*, 39, 1213-1221.
- 9- Stinnett, N. King, K.F. & Rowe, G.P. (1989). Perception of fathers. *Journal of American Indiana Education*. 19 (2), 386-388.
- 10- Salmela, A.& Nurmi Jari, E. (2007). Self- Esteem during uniersity studies predicts career characteristics 10 years. *Journal of vocational Behavior*. Vol. 10.pp:192-211.
- 10- Smelser, M.A. & Vasconcellos, N.J. (1989). *The social importance of self-esteem*. Berkly CA: university of California press.
- 11- Cooper, C. L. & Pervin, L.A. (1998). *Personality linical concept in psychology*. Vol.1, NewYourk: Routledge.
- 12- Descamps, M.A. (1978). The absent fathers. *Studies psychotherapiques*, 9(2), 85-90.

- 13- Donahoo, s. (2003). Single Parenting and Children's Academic Achievement. *The New England League of Middle Schools and on Article*.
- 14- Farenick, K. (1998). The psychological effects of the father on the self-esteem of children. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58(9-A), 3428-3433.
- 15- Fry, P.S., & Ghosh, R (1980). Attributions success and failure - comparison of cultural differences between Asian and Caucasian children. *Journal of Cross-cultural Psychology*, 11 (3), 343-363.
- 16- Gecase, V. & Schwalbe, M.L. (1986). Parental behavior and adolescent self-esteem. *Journal of Marriage and the Family*, 22, 947-958.
- 17- Gecase, V. (1971). Parental behavior and the dimensions adolescent self-esteem. *sociometry*, 34 (4), 466-482.
- 18- Harter, S. (1982). The persuaded competence scale for children. *Child Development*, 23, 87-97.
- 19- Harter, S. (1993). Development perspectives on the self-esteem. In Mussen, P.H. (Ed). *Handbook of child psychology*, (4th ed). Vol.4, New York wiley.
- 20- Hartos, J.L. & Power, T.G. (2000). Association between mother and adolescent reports for assessing relations between parent adolescent communication and adolescent adjustment. *Journal of Youth and Adolescence*, 29 (4), 441-450.
- 21- Higgins, N.C. & Hay, J.L. (2003). Attribution style predicts causes of negative life even on the attribution style questionnaire. *Journal of Social Psychology*. 143 (2), 253-271.
- 22- Holahan, C.J., Valentiner, D.P., & Moss, R.H. (1995). Parental support, coping strategies, and psychological adjustment, an integration model with late adolescents. *Journal of youth and Adolescents*, 4 (6), 633-698.
- 23- Hyunsook, C., & Dong in, S. (1997). Family resources and psychological well-berry among adolescents of single mother families. *Korean Journal of Child Studies*, 18 (2), 163-176.
- 24- Hippmann, w., Donna, & Carlos, A. (2002). A program to treat external locus of control and poor achievement motivation in male children raised in father less homes. *Dissertation Abstracts International: Section B: The sciences & Engineering*, 63 (1-B), pp.511.
- 25- Kanzawa, S. (2001). Why father absence might precipitate early menarche, the role of polygon. *Evolution and Human Behavior*. 22, 329-334.
- 26- Kleinke, C.L. (1978). *Self-perception: psychology of personal awareness*. Sanfrancisco, W.H. Freeman Co.
- 27- Krants, D. & Stone, R. (1978). Locus of control and the effect of success and failure in young and community residing women. *British Journal of Educational Psychology*. Vol.43, 536-557.
- 28- Lamb, M.E. (1981). *The Role of father to child development*. John and willy.

- 29- Lancaster, W.W. & Richmond. R.O. (1983). Perceived locus of control as a function of father-absence, age, and geographic location. *Journal of Genetic psychology*, 143, 57-56.
- 30- Linds Kold, R. (1973). Correlation between trust self-esteem sociometric choice and internal - external control, *Psychological Reports*, 32, 739-747.
- 28- Loevinger, J. (1998). *Technical foundations for measuring ego development*. Mahwash, NJ. Erlbavm.
- 31- Mclanahan, S. (2001). Father absence and the welfare of children. *Network on the family on the Economy*. 5 (1), 322-335.
- 32- Mahkiosi, M.X., & Ryckman, R.M. (1977). Differences in perceived locus of control among men and women adults and university students, in American and Greece. *The journal of Social Psychology*, 103, 177-183.
- 33- Mitchel, J.A. (2001). The influence of father abandonment on the experience and expression of anger on the African. American college male. *Dissertation Abstracts international: section B: the sciences & Engineering*, 62 (1-B), 578.
- 34- Mizokawa, D. (1990). Attribution of academic success and failure: A comparison of six Asian American ethnic groups. *Journal of Cross-cultural Psychology*, 27 (4), 434-451.
- 35- Parish, T. (1979). The impact of divorce and subsequent father absence on children and adolescence self-concept. *Developmental Psychology*, 8 (4), 427-432.
- 34- Paguio, L.P. (1987). Relationship between father and mother socialization practices and children's locus of control in Brazil, the Philippines practice and united state. *Journal of Genetic Psychology*, 148 (3), 303-313.
- 36- Quinlan, R. J. (2003). Father absence, Parental care, and Female reproductive development. *Journal of Evolution and human Behavior*, 24, 376-390
- 37- Rotter, J.B. (1954). *Social learning and clinical psychology*. Englewood cliffs, N.J: Prentice. Hall.
- 38- Rotter, J.B. (1966). Generalized expectations for internal versus external control of reinforcement. *Psychological Monographs*, 80.
- 39- Rotter, J.B. (1972). *Applications of social learning theory personality*. New York, Holt Rihenhart and Winston.
- 40- Reich, S.G. (1998). The SCRD-R loc scale: Relationship among locus of control, scholastic performance gender and age. *The Student Journal of Psychology*, 1-12.
- 41- Ruhi., K. (1991). Perceived maternal behavior and masculinity of self-concept among father absent boys. *Journal of Behavioral Sciences*, 2 (2), 45-54.
- 42- Roy, C.M. & Fugua. D.A. (1983). Social support may mediate effects of single parent performance. *The school chancellor, January*, 183-190.

43- Tarantino, S. J. (1989). Field dependence, language ability and self-concept as a function of father absence. *Perceptual and Motor Skills*, 69 (2), 431-434.

44- Vonderlippe, A.L. (2000). Family factor in Ego development adolescent girls. *Journal of youth and adolescents*, 29(3), 373-393.